



## آه جانسوز خواهر حسین (ع)؛ آغاز نهضت زینب (س) برای حفظ نهضت خونین حسینی

شب یازدهم محرم، شب شام غریبان است و تو چه دانی که در دل زینب چه می‌گذرد؟ وقتی نام عاشورا به گوش می‌رسد، آتش سوزناکی از غم، دل را در بر می‌گیرد و اشک، امان را می‌برد.

شب یازدهم محرم، شب شام غریبان است و تو چه دانی که در دل زینب چه می‌گذرد؟ وقتی نام عاشورا به گوش می‌رسد، آتش سوزناکی از غم، دل را در بر می‌گیرد و اشک، امان را می‌برد.

وقایع دردناک عاشورا تا بعد از ظهر که هنگامه شهادت امام حسین - علیه السلام - بود یکسری جنایات را به خود دید و از شهادت امام حسین (علیه السلام) به بعد سرزمین کربلا شاهد فجایع و جنایاتی خاص در مورد اهل بیت پیامبر بود. آغاز نهضت زینب (س) برای حفظ نهضت خونین حسینی سال 61 ه.ق عصر روز دهم محرم لشکر یزید بعد از این که امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رساند به دستور فرماندهان خود دست به غارت و آتش زدن خیمه‌ها و آزار و اذیت خاندان نبوت زدند.

آن نامردان به سوی خیمه‌ها و حرم امام حسین (علیه السلام) روی آوردند و اثاث و لباسها و شتران را به یغما بردند و گاه بانویی از آن اهل بیت پاک با آن بی‌شرمان بر سر جامه‌ها و کشمکش بود و عاقبت آن لعنت شدگان الهی جامه را از او می‌ربودند.

دختران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حریم او از خیمه‌ها بیرون آمده و می‌گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون و زاری می‌نمودند.

بعد از این اموال اهل بیت را با سر و پای برهنه و لباس به یغما رفته به اسیری گرفتند. و آن بزرگواران را از کنار پیکر امام حسین (علیه السلام) گذراندند. وقتی نگاه اهل بیت به کشته‌ها افتاد فریاد کشیدند و بر صورت خود زدند.

بعد از به اسارت گرفتن اهل بیت، عمر سعد ملعون در میان یارانش فریاد کشید: چه کسی حاضر است که اسب بر پشت و سینه حسین (علیه السلام) بتازد! ده نفر داوطلب شدند و پیکر مطهر امام حسین (علیه السلام) را با سم اسبان لگدکوب کردند.

در عصر عاشورا عمر سعد سر مبارک امام حسین (علیه السلام) را با خولی بن یزید اصبحی و حمید بن مسلم ازدی نزد عبیداله بن زیاد به کوفه فرستاد و سرهای یاران و خاندان او را جمع کرده (که هفتاد دو سر بود) و به همراهی شمر بن ذی الجوشن و قیس بن اشعث به کوفه فرستاد.

سپس شهداء را جمع کرده و دفن نمودند ولی پیکرهای بی سر و زیر پای اسبان لگدکوب شده امام حسین (علیه السلام) و یارانش تا روز دوازدهم محرم عریان در بیابان کربلا بود تا این که توسط قبیله بنی‌اسد و به راهنمایی امام سجاد (علیه السلام) دفن شدند.

شب یازدهم محرم را گویا اسرای اهل بیت در یک خیمه نیم‌سوخته سپری نمودند. در این رابطه در مقاتل چیزی از احوال اهل بیت (علیهم السلام) نقل نشده ولی می‌توان تصور کرد که چه شب سختی را بعد از یک روز پر سوز و از دست دادن عزیزان و غارت اموال و اسارت و سوختن خیمه‌ها و اهانت‌ها و ... داشته‌اند.

عمر سعد ملعون در روز 11 محرم دستور حرکت از کربلا به سوی کوفه را می‌دهد و زنان و حرم امام حسین (علیه السلام) را بر شتران بی‌جهاز سوار کرده و این امانت‌ها و نجات‌ها را چون اسیران کفار در سخت‌ترین مصائب و غم و غصه کوچ می‌دهند.

آغاز نهضت زینب (س) برای حفظ نهضت خونین حسینی

شاعر عرب این مصیبت عظمی را به رشته نظم درآورد: «یصلی علی المبعوث من ...؛ این قضیه بسیار شگفت‌آور است که مردم بر پیغمبر مبعوث که از آل هشام است، تحیت و درود بر روح پاکش می‌فرستند و از طرف دیگر، فرزندان و خاندان او را به قتل می‌رسانند!»

در هنگام حرکت از کربلا عمر سعد دستور داد که اسرا را از قتلگاه عبور دهند. قیس بن قرّه گوید: هرگز فراموش نمی‌کنم لحظه‌ای را که زینب دختر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را از کنار کشته بر خاک افتاده برادرش حسین عبور دادند که از سوز دل می‌نالید ... و امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: ... من به شهدا نگریستم که روی خاک افتاده و کسی آنها را دفن نکرده، سینه‌ام تنگ شد و به اندازه‌ای بر من سخت گذشت که نزدیک بود جانم بر آید و عمه‌ام زینب وقتی از حالم با خبر شد مرا دلداری داد که بی‌تابی نکنم.

(گویا اسرای کربلا را دوبار به قتلگاه می‌آوردند، یک دفعه همان عصر روز عاشورا بعد از غارت خیمه‌ها و به درخواست خود اسرا و یک بار هم در روز یازدهم محرم هنگام کوچ از کربلا و به دستور عمر سعد و این کار عمر سعد شاید به خاطر این بود که می‌خواست اهل بیت (علیهم‌السلام) با دیدن جنازه‌های عریان و زیر آفتاب مانده شکنجه روحی به اسرا داده باشد.)

بعد از این که روز یازدهم محرم اسرا را از کربلا به سوی کوفه حرکت دادند به خاطر نزدیکی این دو به هم روز 12 محرم اسرا را وارد شهر کوفه کردند؛ گویا شب دوازدهم را اسرا در پشت دروازه‌های کوفه و بیرون شهر سپری کرده باشند.

در اثر تبلیغات عبیدالله بن زیاد علیه امام حسین (علیه‌السلام) و خارجی معرفی کردن آن حضرت، مردم کوفه از این پیروزی خوشحال می‌شوند و جهت دیدن اسرا به کوچه‌ها و محله‌ها و خانه‌ها می‌روند و با دیدن اسرا شادی می‌کنند.

ولی با خطابه‌هایی که امام سجاد (علیه‌السلام) و حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و سایرین از اسرا ایراد می‌کنند و خودشان را به کوفیان و مردم می‌شناسانند و به حق بودن قیام امام حسین (علیه‌السلام) اذعان می‌کنند، شادی کوفیان را به عزا تبدیل می‌کنند.

در مدتی که در کوفه و در میان مردم به عنوان اسیر جنگی حرکت می‌کردند سرها بالای نیزه بود و اسرا در کجاوه‌ها جا داده شده بودند و آنان که خیال می‌کردند اسرا از خارجیان هستند و بر خلیفه یزید عاصی شده‌اند، جسارت و اهانت می‌کردند، عده‌ای هم از نسب اسرا سؤال می‌کردند.

با این وضع وارد دارالاماره می‌شوند و در مجلس عبیدالله بن زیاد که حاکم کوفه و باعث اصلی شهادت امام حسین، این ملعون جلوی چشم اسرا و مردم با چوب‌دستی به سر مبارک می‌زد و خود را پیروز میدان قلمداد می‌کرد و کشته شدن امام حسین (علیه‌السلام) را خواست خدا قلمداد می‌نمود، ولی با جواب‌هایی که از جانب حضرت زینب و امام سجاد (علیهم‌السلام) می‌شنید، بیشتر رسوا می‌شد.